

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

دهم مارچ 2012

گذر هائی در فیس بک (گذر چهل و یکم)

به پاسخ دوست گرانقدر جناب نعمت الله مختارزاده

قیوم بشیر هروی

ملبورن - استرالیا

11 فیورری 2012

همای سعادت

چه مژده ای بدلم نور دیده می آئی
تو با ترانه و شعر و قصیده می آئی
سراغ تو بگرفتم ز دوستان عزیز
شنیده ام که صبا با سپیده می آئی
من از حضور عزیزان سعادت دارم
که از برای رفاقت حمیده می آئی
نیاز و کاکرو پزمان که همزبان منند

به همنوایی مشکور دویده می آئی
 الهه وار به ناهید و واصل و پونه
 ز قصه های دل شان شنیده می آئی
 خوشم به نوروحسامی و یعقوب و فرهاد
 به کوی هارون و ترکان تپیده می آئی
 ز تیرجادوی شهلا که درمسیر تو است
 اگر چه یکه و تنها خمیده می آئی
 کویر حادثه را پشت سر گذاشته ولی
 ز حادثات زمانه رهیده می آئی
 چه ناله ها که بلند است به نینوای وطن
 ز سوز درد یتیمان چشیده می آئی
 چرا به خاک وطن روی صلح نمی بینیم
 ز درد غربت و بیداد رمیده می آئی
 توئی شهنشه شعر و غزل به نزد « بشیر »
 که چون همای سعادت پریده می آئی

با تشکر و سپاس تقدیم حضور آقای هروی و دوستان حاضر
 نعمت الله مختارزاده
 شهر اسن - المان
 13 فبرور 2012

برهنه پا و گریبان دریده

بخواهی ، یا که نخواهی ، به دیده می آیم
 چو قطره اشکی ز غم ها ، چکیده می آیم
 خزان عمر رسید و چو برگ پائیزی
 به آه سرد یتیمان ، رسیده می آیم
 به درد و غصه و سوز و گداز بیوه زنان

گهي فتاده و گاهي خزیده می آیم
 ز چاکِ سینه مادر که در عزای پسر
 جگر کباب و ، به دندان جویده می آیم
 چو پای مانده و ، بازوی خسته پدران
 به دیده خارِ مگیلان ، خلیده می آیم
 به طبع بسته و ، با خاطراتِ افسرده
 کمانِ قامتِ ، سرو خمیده می آیم
 ز سرخ گونه و از سردِ سینه معشوق
 به زرد و گرمی عاشق ، سزیده می آیم
 فلک کباب شوی عالمی کباب کدی
 که زهرِ هجرِ وطن را چشیده می آیم
 همین بس است و ، ازین بیشتر مسوزانم
 که جان به سیر و بسی دل کفیده می آیم
 وطن خراب شد از دستِ چند ، بازنگر
 حجاب ، از رخ شان ، برکشیده می آیم
 ز جورِ طالب و بیدادِ گلبدین خطا
 برهنه پا و گریبان دریده می آیم
 ز ننگِ عابدی سرخمِ فلان شده
 صدای جامن و زنگش ، شنیده می آیم
 ز تنگران و هم از نوکران و دلالان
 به افتخار ، ز تک تک بریده می آیم
 به سازِ اجنبی، کرزی به رقص ، میگوید
 به هر درامه و فلمی چلیده می آیم
 چرا که خامه « نعمت » کنون به جولانست
 دگر نه ، پا ز گلیم ، کشیده می آیم